

فیلمبران با توزیع ۷ فیلم در نیمه اول ۱۴۰۳ رکورددار پخش سینما شد  
امارت بر سر گیشه را به اهالی «تگزاس ۳» واگذار کرد

# سلاطین پخش سینما



مصطفی قاسمیان خبرنگار

با پایان ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۳ که با گیشه‌ای بیش از ۹۰۰ میلیارد تومان برای کل سینمای ایران همراه بود، حال فرصت مناسبی برای بررسی مسائل سینمای ایران در این مدت به وجود آمده؛ خصوصا از باب توزیع و پخش فیلم‌های سینمایی که کمتر از دیگر ابعاد

## فیلمبران؛ صدرنشین همیشگی

از نظر تعداد فیلم، رتبه نخست فهرست شرکت‌های پخش سال ۱۴۰۳ در اختیار فیلمبران قرار دارد؛ شرکتی که خالدار ۲۰ سالگی تاسیس، همچنان قدرت اول پخش سینماست و بیشترین شانس را برای توزیع پرامیدترین آثار سینمایی دارد. فیلمبران که با علی سرتیپی شناخته می‌شود، تنها شرکتی به شمار می‌آید که در ۶ ماه نخست سال، ۷ فیلم سینمایی را پخش کرده؛ شامل «پرویز خان»، «مست عشق»، «خجالت‌نکش: جدایی قبر از صنم»، «ساعت ۶ صبح»، «مصائب شیرین ۲»، «ملاقات با جادوگر» و «آغوش باز». این آثار در مجموع حدود ۴ میلیون قطعه بلیت به ارزش ۲۲۶ میلیارد تومان فروخته‌اند و پر فروش‌ترین آنها، عنوان غیرمنتظره «مست عشق» است که توانسته از مرز ۱۲۰ میلیارد عبور کند. در فهرست فیلم‌های

## ۳ فیلم نوروزی برای حوزه هنری

دومین صدرنشین فهرست، تنها پخش‌کننده ارگانی این فهرست است؛ شرکت بهمن سبزه‌معلق به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی که بیشتر فیلم‌های متعلق به حوزه (سازمان سینمایی سورره) را پخش می‌کند و از قضا بزرگ‌ترین سینمادار کشور نیز به شمار می‌آید. بهمن سبزه در ۶ ماه اول سال، ۶ فیلم «ایلیا: جستجوی قهرمان»، «آسمان غرب»، «آپاراتچی»، «عطرآلود»، «شور عاشقی» و «در آغوش درخت» را پخش کرده که ۴ عنوان از آنها، محصولات خود حوزه هنری‌اند. در این فهرست، «آپاراتچی» مورد جالب توجهی است که ۲ پخش‌کننده داشته و توسط مؤسسه سینمای مهر (متعلق به سید محمود رضوی) نیز در سینماها توزیع شده است.

## درباره مستند «پنج دوربین شکسته»

# فطرت انسانی علیه شر مطلق



محمد قربانی خبرنگار

«پنج دوربین شکسته» به کارگردانی عماد بورنات و محصول سال ۲۰۱۱، مستندی درخشان در تاریخ سینمای فلسطین و جهان است. فیلمی که از موضع سازش آغاز می‌کند و رفته رفته با نمایش عاقبت اعتراضات صلح‌آمیز مردم فلسطین، مقاومت را به عنوان تنها گزینه ممکن در ذهن تماشاگر جا می‌اندازد؛ بی‌آنکه به این مسئله اشاره مستقیمی داشته باشد.

فیلم بورنات با معرفی روستای بلعین در کرانه باختری رود اردن آغاز می‌شود. عماد بورنات که خود راوی مستند است، همزمان با پن دوربین روی زمین‌های اجدادی‌اش، از کودکی خود می‌گوید. این نما به پیرمردی - پدرب عماد بورنات - قطع می‌شود که در حال شخم زدن زمین است. دوربین با حرکت از چهره پدر به سمت زمین، پیرمرد را همچون درختان زیتون آن اقلیم، ریشه‌دار در زمین نشان می‌دهد. اما تصاویر زیبای روستای ناگهان با صدای بولدوزهای رژیم خدش‌دهنده می‌شود. بورنات به سرعت و در همان ابتدای مستند، تکلیف دو طرف دعوا را مشخص می‌کند و سربازان رژیم اشغالگر را در مقابل اقلیم و طبیعت و مردم روستای بلعین قرار می‌دهد. گویی آنها پیش از مواجه شدن با مردم روستا، علیه طبیعت و سرسبزی و زیبایی بلعین اعلان جنگ کرده‌اند. فیلمساز از بولدوزهایی که در حال از ریشه درآوردن درختان زیتونند، قطع می‌کند و به نمایی که در آن آهویی که گویی از بولدوزها ترسیده و پا به فرار گذاشته است، می‌رسد. به این ترتیب حتی حیوانات نیز به عنوان عناصر دیگری از طبیعت، در جبهه دشمنان رژیم قرار می‌گیرند. فیلمساز پس از این، ماجرای شهرک‌سازی رژیم را مطرح می‌کند و مجدداً یک کنتراست هوشمندانه بین دو طرف منازعه می‌سازد. در قاب‌هایی که بورنات از روستا می‌گیرد، خط افق مشخص

## شهر فرنگ؛ پخش‌کننده ارگانی‌ها

در زده بعدی، دو پخش‌کننده خصوصی دیگر با اکران ۵ فیلم قرار دارند که طی سال‌های اخیر، نقش ویژه‌ای در پخش فیلم‌های ایرانی یافته‌اند. شرکت تازه‌تاسیس شهر فرنگ با توزیع «تمساح خونی»، «آبی روشن»، «روایت ناتمام سیما»، «قلب رقه» و «شه‌سوار» که جمعاً حدود ۳ میلیون قطعه بلیت به ارزش ۱۸۳ میلیارد تومان فروخته‌اند، در رتبه سوم قرار دارد که البته ۹۲ میلیارد تومان این رقم به «تمساح خونی» اختصاص دارد. به شکلی جالب توجه، اغلب آثار نمایش داده‌شده توسط این شرکت، محصولات ارگانی‌اند. در واقع جز «تمساح خونی» به تهیه‌کنندگی کامران حجازی که یکی

## تازه‌واردهای تاثیرگذار

در میان دیگر پخش‌کنندگان بازار، ۲ شرکت تازه‌تاسیس شایسته فیلم و عامریان فیلم استثنا به شمار می‌روند که با تعداد کم اکران، گیشه خوبی دارند. شایسته‌فیلم با نمایش ۳ اثر پرستاره «بیدن»، «یادگار جنوب» و «پول و پارتنی» مجموعاً حدود ۲،۵ میلیون قطعه بلیت به ارزش ۱۳۷ میلیارد تومان فروخت و با نمایش قریب الوقوع «صبحانه با زرافه‌ها» و «بازی را بکش» امیدواری فراوانی به نیمه دوم سال دارد.

## کم‌فروش‌های پایین جدول

فهرست دیگر بازیگران این صنعت در سال ۱۴۰۳، شامل توزیع‌کنندگانی است که آثاری کم‌تعداد و کم‌فروش پخش کرده‌اند و به نوعی بیشتر نقش جور کردن جنس اکران را دارند. رسانه فیلمسازان مولود ۳ فیلم «نیلگون»، «سودابه» و «سفر پرماجر» را نمایش داده که جمعاً کمتر از یک میلیارد تومان فروخته‌اند. نسیم صبا هم با «این جمعیت قابل کنترل»، «خانه شیشه‌ای» و «لختگی» چنین شرایطی دارد. در این فهرست، حضور هدایت‌فیلم با مدیریت

از صاحبان شرکت است، باقی فیلم‌ها محصولاتی از فارابی باوچند و هیچ‌کدام گیشه ویژه‌ای هم ندارند. خانه فیلم با نمایش «نوروز»، «سال گربه»، «روزی روزگاری آبادان»، «شهر گربه‌ها ۲» و «قیف» در سالن‌های سینما و فروش ۱،۷ میلیون قطعه بلیت، گیشه‌ای ۹۶ میلیارد تومانی را رقم زد. در فهرست آثار این شرکت نیز «سال گربه» به تهیه‌کنندگی سعید خانی مدیرعامل خانه فیلم دیده می‌شود که از باقی آثار آن بیشتر فروخته است. به شکلی جالب، ۲ عنوان از ۵ محصول خانه فیلم، آثار کودک و نوجوانند که این شرکت را در زمینه پخش این فیلم‌ها فعال‌تر از رقبا نشان می‌دهد.

در میان دیگر پخش‌کنندگان بازار، ۲ شرکت تازه‌تاسیس شایسته فیلم و عامریان فیلم استثنا به شمار می‌روند که با تعداد کم اکران، گیشه خوبی دارند. شایسته‌فیلم با نمایش ۳ اثر پرستاره «بیدن»، «یادگار جنوب» و «پول و پارتنی» مجموعاً حدود ۲،۵ میلیون قطعه بلیت به ارزش ۱۳۷ میلیارد تومان فروخت و با نمایش قریب الوقوع «صبحانه با زرافه‌ها» و «بازی را بکش» امیدواری فراوانی به نیمه دوم سال دارد.

برادران شایسته نیز جالب است که تنها «قلهک» اثر مصطفی شایسته را توزیع کرده. «مفت‌بر» به تهیه‌کنندگی عبدالله علیخانی و حسین فرحبخش نیز تنها فیلم نیمه اول ۱۴۰۳ محسوب می‌شود که پخش‌کننده ندارد و توسط تهیه‌کنندگان که شرکای قدیمی‌اند، توزیع می‌شود. جدولی که در ادامه ملاحظه می‌کنید، شامل خلاصه مهم‌ترین اطلاعات این گزارش درباره پخش‌کنندگان نیمه اول ۱۴۰۳ سینمای ایران است.

نام شرکت پخش	تعداد فیلم	فیلم‌ها	تعداد تماشای	فروش گیشه
فیلمبران	۷	پرویز خان/مست عشق/خجالت‌نکش ۲/ساعت ۶ صبح/مصائب شیرین ۲/ملاقات با جادوگر/آغوش باز*	۲ میلیون و ۹۸۵ هزار نفر	۲۲۶ میلیارد و ۲۸۳ میلیون تومان
بهمن سبزه	۶	ایلیا: جستجوی قهرمان/آسمان غرب/آپاراتچی/عطرآلود/شور عاشقی/در آغوش درخت	۸۴۹ هزار نفر	۳۷ میلیارد و ۵۹۶ میلیون تومان
شهر فرنگ	۵	تمساح خونی/آبی روشن/روایت ناتمام سیما/قلب رقه/شه‌سوار*	۳ میلیون و ۵۹ هزار نفر	۱۸۲ میلیارد و ۹۲۲ میلیون تومان
خانه فیلم	۵	نوروز/سال گربه/روزی روزگاری آبادان/شهر گربه‌ها ۲/قیف*	یک میلیون و ۷۳۶ هزار نفر	۹۶ میلیارد و ۲۹۱ میلیون تومان
شایسته فیلم	۳	بی‌بدن/یادگار جنوب/پول و پارتنی	۲ میلیون و ۴۱۴ هزار نفر	۱۳۶ میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان
رسانه فیلمسازان مولود	۳	نیلگون/سودابه/سفر پرماجر	۱۷ هزار و ۱۸ نفر	۹۳۸ میلیون تومان
نسیم صبا	۳	این جمعیت قابل کنترل/خانه شیشه‌ای ۳/لختگی*	۷ هزار و ۵۹۸ نفر	۲۷۴ میلیون تومان
بهاران فیلم	۲	کوچه‌ای بی‌تاوان/ها/تاوان	۶ هزار و ۱۵۳ نفر	۳۳۶ میلیون تومان
عامریان فیلم	۱	تگزاس ۳*	۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر	۲۳۴ میلیارد و ۹۲۱ میلیون تومان
هدایت فیلم	۱	قلهک	۶۶ هزار نفر	۴ میلیارد و ۶۲ میلیون تومان
گویا فیلم	۱	کارزار*	۳ هزار و ۶۶۰ نفر	۲۰۷ میلیون تومان
تهیه‌کننده	۱	مفت‌بر*	۲۱۸ هزار نفر	۱۲ میلیارد و ۳۶۰ میلیون تومان

\* اکران این فیلم‌ها ادامه دارد و رقم نهایی آن بالاتر از آنچه که در این جدول درج شده، خواهد بود

عماد شنیده می‌شود، «جدار»، «تنگ» و «سرباز» است. پنج دوربین شکسته می‌گوید بچه‌های فلسطینی به محض چشم باز کردن، ظلم و اشغالگری می‌بینند و مبارزه‌شان با اسرائیل به مثابه مبارزه با مرگ است و به‌منظور ادامه حیات، پس از شهادت فیل، جبرئیل با همان زبان کودکانه از عماد می‌پرسد چرا سربازان اسرائیلی را با چاقو نمی‌کشد. اینجا است که صدای راوی (عماد) شنیده می‌شود که می‌گوید: «ما گاهی کودکی خود را از دست می‌دهیم». جمله‌ای که بسیار هوشمندانه و البته دوپهلوان است. این جمله از طرفی به باز شدن ناپهنگام پای کودکان به مقاومت اشاره دارد و از سوی دیگر علیه کسانی است که اعتقادی به مبارزه ندارند و کاری خلاف فطرت (کودکی) و طبیعت خود انجام می‌دهند و طرفدار سازشند. زاویه دید تماشاگر بیش از هر کسی به جبرئیل نزدیک است؛ چراکه تماشاگر هم مانند جبرئیل برای اولین بار با مبارزه مردم فلسطین علیه اشغالگری مواجه می‌شود و همان‌طور که جبرئیل تنها راه را مبارزه و مقاتله می‌بیند، تماشاگر هم نسبت به سربازان اشغالگر رژیم صهیونیستی چنین موضعی پیدا می‌کند. در واقع جبرئیل همان وجدان بیدار و فطرت پاک است که هر انسانی را - فارغ از دین و آیین و گرایش‌های مختلف سیاسی و فرهنگی‌اش - به حمایت از مردم فلسطین و مبارزه علیه اسرائیل وامی‌دارد.

پنج دوربین شکسته، اسرائیل را نه به عنوان یک دشمن سیاسی، بلکه در قامت پدیده‌ای ضد انسانیت و حیات تصویر می‌کند. تصویری که امروز و هم‌زمان با سونامی جهانی تنفر علیه اسرائیل، بیش از هر زمان دیگری می‌تواند موثر باشد. عماد بورنات موفق می‌شود به زبان لطیف هنر، پرده از چهره شر مطلق صهیونیسم پیدا می‌کند. در واقع جبرئیل همان به‌عنوان تنها راه حیات مردم فلسطین نشان دهد. همان‌طور که در جایی از مستند می‌گوید: «دنبال کردن آرمان‌ها بدون خشونت کار سختی است، به ویژه وقتی که همه‌جا پر از مرگ می‌شود.»

خودش را به قاب دوربین تحمیل می‌کند. شهرک‌سازی‌ها و اعتراضات ادامه می‌یابند و دوربین‌های عماد بورنات هم یکی پس از دیگری در درگیری‌ها می‌شکنند. رفته رفته اعتراضات به خشونت شدیدتری می‌کشد و چند نفری از بلعین و روستاهای اطراف شهید می‌شوند. با شهادت چند نفر، پای سیاسیون به روستا باز می‌شود و اینجاست که بورنات تیزهوشانه ناامیدی خود از سیاسیون را ابراز می‌کند. او حین فیلمبرداری از مصاحبه یکی از سیاسیون دولت خودگردان می‌گوید: «دارم از ادیب فیلم می‌گیرم». این یعنی او بی‌توجه به آن شخصیت سیاسی، دوربینش را فقط برای ضبط تصاویری از مردم مقاوم روستا به کار می‌گیرد و هیچ توجهی به سیاسیون ندارد.

شخصیت‌های اصلی مستند دو مرد از اهالی روستا با نام‌های ادیب و فیلند و البته جبرئیل، فرزند آخر عماد. فیل و ادیب در همه اعتراضات جلوتر از همه راه می‌افتند و چند باری دستگیر می‌شوند. فیل سمپاتی‌ترین شخصیت فیلم است. او معمولاً با بچه‌ها دیده می‌شود، پرشور و ذوق است، همیشه لیخند به لب دارد، در نمایش‌های آکروباستیک روستا شرکت می‌کند و محبوب‌ترین مرد روستاست. حتی تماشاگر اسم اصلی فیل را هیچ‌وقت نمی‌شنود و همه او را با همان نامی که بچه‌ها صدایش می‌کنند، صدا می‌زنند. فیل به قول راوی با وجود «پوست‌کلفت» بودن و هیکل تنومندش، بسیار مهربان است. او حتی در اعتراضات از خشونت معترضان بلعین نیز جلوگیری می‌کند و حتی جایی برای آرام کردن سربازان رژیم اشغالگر، آنها را «پسرعمو»‌های خود خطاب می‌کند. فیل نماد صلح و زندگی است، اما نهایتاً توسط سربازان اشغالگر کشته می‌شود. شهادت فیل، شهادت صلح است و راهی جز مقاومت و به سنگ بستن ماشین‌های اشغالگران برای اهالی روستا باقی نمی‌گذارد.

اما جبرئیل که نماینده نسلی است که ۷ اکتبر را رقم زدند، از همه شخصیت‌ها مهم‌تر است. اولین کلماتی که از زبان کودک خردسال

است، آسمان آبی به چشم می‌آید و سرسبزی روستای بلعین برجسته است، اما در مقابل ساختمان‌های شهرک‌های اسرائیلی‌ها به بیرون قاب ادامه دارند، آسمانی در سمت آنها دیده نمی‌شود و همه نماها از شهرک‌ها خفه و بدون هیچ المانی از طبیعتند.

پس از این بورنات خانواده و فرزندان را معرفی می‌کند. او می‌گوید ۴ فرزند دارد که هر کدام در دوره خاصی متولد شده‌اند و بسته به حوادث گوناگون سرزمین‌های تحت اشغال، کودکی متفاوتی داشته‌اند. راوی می‌گوید دوربین مستندش را به‌منظور دیگری و برای ثبت خاطرات خانوادگی‌اش - به‌ویژه تولد فرزند چهارم - خریده است. به این ترتیب او خود را از هر جریان سیاسی‌ای جدا کرده و خود را از مردمی معرفی می‌کند که جنگ و اشغالگری زندگی عادی‌شان را مختل کرده است. در واقع این پنج دوربینی که هر کدام طی مستند در حادثه‌ای حین اعتراضات می‌شکنند یا گلوله می‌خورند، قرار بوده ضبط‌کننده زندگی عادی خانواده بورنات باشند؛ اما اشغالگری خود را به قاب این دوربین‌ها تحمیل کرده است. بورنات در کنار نشان دادن تصاویری از زندگی روستایی مردم، تظاهرات علیه شهرک‌سازی را نیز به عنوان بخشی از زندگی آنها به تصویر می‌کشد. حین یکی از تظاهرات، اولین دوربین او می‌شکند و آخرین تصویری که این دوربین ضبط می‌کند، متعلق به مردی از اهالی روستا به نام ادیب است که درخت زیتونی را بغل کرده و جملاتی درباره عشق به وطن می‌گوید. ادیب با درخت یکی شده است، اما تصویر از جا درآوردن درختان در ابتدای مستند، این تعلق را ایجاد می‌کند که خشونت سربازان اسرائیلی بیشتر خواهد شد و اهالی معترض روستا نیز - که مثل ادیب و درختان زیتون در زمین بلعین ریشه دارند - به‌زودی از میان برداشته خواهند شد.

دومین دوربین هم کار خود را با ضبط جشن آزادی یکی از برادران عماد بورنات، پذیرایی پدرش در زمین کشاورزی‌شان و تاتی‌تاتی کردن جبرئیل - آخرین فرزند بورنات - آغاز می‌کند، اما اشغالگری باز هم